



RADIO HEAD

رادیو هادی

در سال ۱۹۹۵ میلادی گروه راک **Radio Head** در شهر **Abingdon** انگلستان تشکیل شد. این گروه از سبک **Alternative Rock** و **Post-Rock** الهام گرفته است. در سال ۱۹۹۸ میلادی آلبوم **Pablo Picasso** را منتشر کردند. در سال ۲۰۰۰ میلادی آلبوم **Paupers** را منتشر کردند. در سال ۲۰۰۳ میلادی آلبوم **In Rainbows** را منتشر کردند. در سال ۲۰۰۷ میلادی آلبوم **The Subliminal Message** را منتشر کردند. در سال ۲۰۱۰ میلادی آلبوم **The Subliminal Message** را منتشر کردند. در سال ۲۰۱۳ میلادی آلبوم **The Subliminal Message** را منتشر کردند.

با همکاری **Paul McCartney** و **George Harrison** آلبوم **McCartney** را در سال ۲۰۱۰ میلادی منتشر کردند. در سال ۲۰۱۳ میلادی آلبوم **The Subliminal Message** را منتشر کردند. در سال ۲۰۱۵ میلادی آلبوم **The Subliminal Message** را منتشر کردند. در سال ۲۰۱۷ میلادی آلبوم **The Subliminal Message** را منتشر کردند. در سال ۲۰۱۹ میلادی آلبوم **The Subliminal Message** را منتشر کردند.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

همه ۵ نفر اعضای گروه **Radio Head** را در یک مدرسه خصوصی پسرانه در آیینگدن پیدا کردند. آیینگدن هم یک شهر کوچک و خیلی زیبا در اطراف آکسفورد است.

بی بی سی و توسط گری دیویس به عنوان آهنگ شگفت آور هفته انتخاب شد. اما "Creep" با شعری که زبان اول شخص است و شخصیت راوی را ذکر می کند، همه را به وجد آورد، درست به اندازه همه اثرهای فوق العاده. البته در واقع همان اول که این آهنگ بیرون آمد، نادیده گرفته شد (سپتامبر ۱۹۹۲)، ولی سال بعد به عنوان بهترین آهنگ (Alternative Rock) سال انتخاب شد. آلبوم اول آنها توانست جزء سی آلبوم برتر قرار گیرد و بعد آنها در طی دو سال در همه جای دنیا خود را شناسانند، اما کار بعد از این به مشکل برخورد. فشار در این مدت بر روی آنها زیاد بود. در طی دو ماه حتی یک نت هم ضبط نکرده بودند، ولی باید آلبوم می دادند. جان لکی تهیه کننده یورک را به بیرون از استودیو آورد و گفت «فقط بنوازید». یورک و بقیه بچه ها به استودیوی «آبی رده» (Abbey Road) رفته و در طی سه هفته آلبوم "Bends" را بیرون دارند.

اما **The Bends** به اندازه کافی شاهکار بود. صدالبته شعرهای یورک این بار شجاعانه سروده شده بود و خیلی هم تحت تأثیر قرار می داد.

از اینجا به بعد هم آنها بیشتر در نگاهها و صفحه های اول روزنامه ها و مجلات بودند. در سال ۱۹۹۸ جایزه گرمی را تحت عنوان بهترین گروه **Alternative Rock** بردند. در این سال که آنها **Ok! Computer** را هم بیرون داده بودند وحشتناک با استقبال روبرو شدند تا جایی که خیلی ها اعتقاد داشتند این گروه می تواند موفقیت تاریخی "The Beatles" (در ایران معروف به بیتل ها) را تهدید کند.

تا بیرون آمدن آلبوم بعدی که **Kida** باشد هم خیلی صبر کردیم، ولی وقتی این آلبوم در دسترس قرار گرفت، همه بهت زده شدند. ساختار موسیقی آنها فرق کرده بود، دور از فضایی که طنین سیمهای گیتار آن را می سازد. آنها با اتکا به سازهای الکترونیکی، فضایی را بوجود آوردند که راک فضایی که پیشتر «پینک فلوید» «کرافت ورک» (Kraftwerk) و «تجنجرین دریم (Tangrine Dream) در کارهای خود ایجاد کرده بودند. با اینکه همه توسط **Kida** گنج و منگ شده بودند، ولی خوب استقبال خوبی از این آلبوم شد.

مایکل استیپ خواننده گروه معتبر **R.E.M.** که از دوستان صمیمی توم یورک خواننده گروه (پس از انجام کنسرت مشترک در سال ۱۹۹۵) است، درباره این گروه می گوید: «کار آنها بسیار شگاف و در عین حال هوشمندانه است. آنها با وجود آهنگهای فراوانی که تا بحال در جدول روز داشته اند، هنوز آنچه را دوست دارند، می سازند و برای کسی دم تکان نمی دهند. حال با شرکت صفحه پیکانی مواجه باشند یا با مطبوعات و علاقمندانشان.»

در این گروه پنج نفره آهنگها با اکثریت آرا انتخاب می شود. گرین وود در این رابطه می گوید: اگر دو نفر از ما رأی منفی درباره آهنگ پیشنهادی داشته باشند، آن وقت نظر توم کاملاً تعیین کننده است. با این تبصره که او حق و تو کردن آرای دیگران را نیز دارد. توم یک مدیر واقعی است. او به گروه روح می دهد و شکی ندارد که براحتی می تواند به صورت انفرادی به فعالیتش ادامه دهد. او از ابتدا مرد اول ما بود. اولین باری که توم را دیدم، در مدرسه در اتاق طبل (drum) مشغول بود و از من خواست تا برایش کمی گیتار باس بزنم. من به او گفتم که نمی توانم همراهی اش کنم ولی او به من اعتماد به نفس دارد و همکاری ما از همان جا شروع شد.»

پیوست و در اجرا همکاری کرد. بعداً آنها به گروه ۵ نفره خود، دو خواهر که هر دو نوازنده ساکسفون بودند، اضافه کردند.

اما برای ادامه تحصیلات اعضاء، خود گروه از هم پاشیده شد. جانی در حال درس خواندن در مدرسه بود، کالین در پیترهاوس کالج، دانشگاه کمبریج مسئول دفتر سرگرمی ها شده بود. در دانشگاه اکستر (Exeter) یورک برای یک گروه «تکنو» (Techno) گیتار می نواخت و سلوی برای محصولات نمایشی ساز ضربی می زد و در دانشگاه پلی تکنیک لیورپول درس می خواند اما کالین کمک کرد تا در سال ۱۹۹۱ گروه در کنار هم قرار بگیرد بدون نوازندگان سازهای بادی. آنها دو دمو (Demo) پر کردند و با شرکت EMI (یک شرکت معتبر ضبط و پخش موسیقی) قرارداد امضاء کردند و چند روز بعد هم (و البته بعد از یک گفتگوی طولانی) نام خود را گذاشتند **Radio Head**. اولین محصول تجاری آنان، **Prove Yourself** بود که در شبکه اول رادیویی





نمی خواهیم

هنر پیشه باشیم!

گفتگوی با اعضای گروه «ردیوهد»

گروه ردیوهد شاید یکی از بزرگترین گروههای مطرح موسیقی آلترناتیو است که تا این حد امکان ریسک هنری، تجاری و ساختاری را دارد.

تتار در البوم با هم به ما جواب مثبت نمی دادند تعداد آهنگهای زیاد باعث فشردگی می شد.

کم می کنند و البته آنها از معمولی ترین «جا» یعنی تمام مکان هایی که در آمریکا اجرای زنده می کردند، راه خود را برای رسیدن به همین جا که متعلق به ماوراءالطبیعه است، یافته اند.

در این مکان، یعنی آخرین البوم، آهنگ هایی در مورد «غریبه ها و فضایی ها، دور مانده از خانه و وطن و عصر پخبندان آینده» صحبت می کنند، ولی از نظر تکنیکی تکیه بر توانایی های محدودی دارند. تنها دلیلی که شنوندگان جدید، این اثر اخیر را یک اثر «آزمایشی» می دانند شاید همین موضوع باشد؛ تفاوت ساختاری نسبت به البوم های

«وقتی یک جایی، کاری خوب پیش می رود، حتماً آنجا Radio head هم هست.» این جمله خیلی مبالغه آمیز و در وصف این گروه از اهالی Alternative Rock گفته شد ولی همین هم نمی تواند برای آنها کافی باشد.

وقتی Amnesiac دومین البوم این گروه در عرض کمتر از یک سال منتشر شد، فهمیدیم «توم یورگ» و دستیارانش را که با به قله های بلندتری راهنمایی کردند.

دستکم اگر از زاویه ماوراءالطبیعه به زندگی گروه نگاه کنیم، می بینیم در مکانی رویایی زندگی می کنند، در مکانی که گاهی خودشان را هم تشخیص نمی دهند و یکدیگر را



آهنگ «شاید اشتباه کرده باشم» از آلبوم Amnesiac این گروه جزو آهنگهای تبلیغاتی المپیک زمستان ۲۰۰۲ است.

گذشته و فضا و مکانی عجیب که شعرها و سازها در این آلبوم می سازند. یک فضای ماوراء. این آهنگ های غم انگیز و آرام، برای هضم و گوارش خیلی هم ساده نیست اما با استقبال زیادی روبرو است. خیلی هم پرفروش است و صدالبته کاری متفاوت با دیگر پرفروش های روز چون موسیقی بریتنی اسپیرز. این اثر اخیر هم مثل بقیه اثرهای Radio Head پرازش است. توم یورک، جانی گرینوود، کالین گرینوود، اد اوبرین و فیل سالوی با گیدن یاگو نشستند و صحبت کردند و بیشتر هم راجع به این موضوع حرف زدند که موسیقی آنها «پاپ» (POP) بحساب می آید، و این تصورات اخیر نمی تواند زیاد دوام داشته باشد. تصوراتی مثل اینکه Radio Head پایش را فراتر از نیاز مخاطبان نشان گذاشته است.

● آیا این آزمایش ها و دست به تجربه تازه زدن که در دو آلبوم اخیرتان 'KidA' و 'Amnesiac' دیده می شود، برای شما این نگرانی را به وجود نیاورده است که شاید قسمتی از طرفداران را از دست بدهید؟

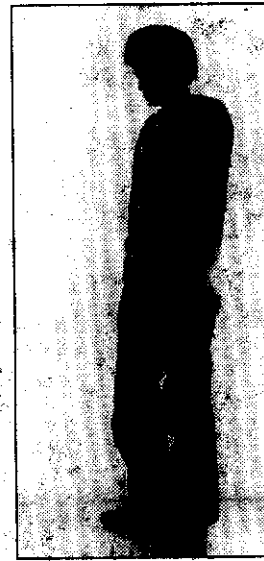
توم یورک - این دو آلبوم، آزمایش به حساب نمی آیند. واقعا اینطور نیست. منظورم این است که این دو آلبوم مثل «پرتاب فضایی» کاری آزمایشی نیستند و بلکه فقط متفاوت از آنچه که به آن گوش می دهیم هستند.

جانی گرینوود - اینها همان تکرار گذشته است، همان «کرد» (CHORD) ها، فکر می کنم اگر می خواستیم این دو آلبوم گمنام و یا بیفایده نشود، می توانستیم موسیقی خوشایندتری بسازیم ولی این دلیل ساخت موسیقی نیست.

● به نظر می رسد که Radio Head یکی از بزرگترین گروه های پست راک شده است که می تواند از نظر هنری و ساختاری دست به چنین خطر بزرگی بزند، برای چه این اتفاق رخ داد؟

اد اوبرین - دیگر برای مدت طولانی، دست به این کار نخواهیم زد.

اوبرین - شاید این به خاطر مسائل اقتصادی باشد. OK Computer ۴/۵ میلیون نسخه فروش کرد و به ما اعتبار داد و راه کار باز کرد ولی اگر آن آلبوم، ۲۰۰ هزار نسخه می فروخته



هیچ راهی وجود نداشت که به ما آنقدر آزادی داده شود تا دست به چنین کاری بزنیم.

● ولی دلیلی ندارد که هر کس ۵ میلیون نسخه از آلبوم خود را می فروشد، به استودیو برود و با سر و صداها و آواها از گیتارها فقط بنوازد؟

اوبرین - بیشتر از این هم ما آرزوی این کار را در سر می پروراندیم. قبل از اینکه قرارداد جدید را امضا کنیم، راجع به این موضوع و شکل جدید کار صحبت کردیم. همه این چیزها نیاورانه ثمر داد و می توانیم گفتیم؛ «خب حالا می توانیم این کارها را انجام بدهیم.» ما یک استودیو داریم که فوق العاده است و هر صدایی را روی آهنگ گذاشتیم.

در سال های پیش احساس خوشایندی نداشتیم. یا مفهوم کار خودمان را درک نمی کردیم ولی حالا فرصت دشت داد و پیش خودمان گفتیم «چرا آن را از دست بدهیم؟»

● شما در یک جلسه، تمام آهنگ های KidA و Amnesiac را ضبط کردید، درست است؟

یورک - بله، ولی بعضی از مردم فکر می کنند که Amnesiac جواب هراس آوری برای KidA است که این نظر برای ما جالب است.

● چه نتیجه ای داشتید که درست بعد از ۸ ماه از نشر آخرین آلبوم، یک آلبوم جدید عرضه کنید؟

جانی گرینوود - بعد از سه ماه تمام، کار آلبوم جدید تمام شده بود، چرا باید منتظر می نشستیم؟

● در این صورت چرا این دو را به عنوان یک آلبوم دوتایی با هم منتشر نکردید؟

اوبرین - این کار به ما جواب مناسب نمی داد. وقتی که دو آلبوم با هم منتشر شود، تعداد آهنگ های زیاد باعث فشرده گی می شود. برای همین، شاید مخاطبان براحتمی از روی بعضی از آهنگها بگذرند. ما حس می زدیم که ممکن است در اولین بار گوش دادن به آلبوم، خیلی ها آن را نپذیرند ولی اطمینان داشتیم که برای گوش دادن های بعدی، دوباره باز خواهند گشت، ولی وقتی آلبوم دوتایی منتشر می کردیم، این اتفاق نمی افتاد.

یورک - در آن صورت حجم بسیار زیادی به خود می گرفت. می توانید ماجرای 'Pyramid Song' را برایم توضیح بدهید؟

یورک - فقط ۵ دقیقه برای ساختن این آهنگ وقت صرف کردیم؛ تحت تأثیر همین فضاهای دیوانه وار، اصلا فکر نمی کردم بتوانیم راجع به این موضوع آهنگ بسازیم و شعر بگوییم. [اما من] از پس آن برآمدم که کار سختی بود، آوزدن شعر و موسیقی در این فضا.

استفان هاوکینز [فیزیک دان] راجع به این موضوع صحبت کرده بود که زمان، بعد دیگری است. او زمان را بعد چهارم به حساب آورد [او فکر این مورد صحبت کرده بود که] زمان یک دور تسلسل دارد [دست هایش را می چرخاند و در هوا دایره می کشد و می گوید] به این شکل گردش می کند. زمان هم مثل جاذبه یک عامل است. این چیزی است که در «پودائیسیم» هم پیدا کردیم. این تمام حرف هایی است که در Pyramid song آوردیم که همه چیز در حال گردش در یک دور تکرار است.

● آیا بعد از سه سال که از تور 'Ok Computer' می گذرد، آمریکا برای شما متفاوت جلوه می کند؟

اوبرین - بله خیلی. بخاطر می آورم وقتی به این جا آمدم، احساس خوبی نداشتیم. روزگار بدی را سپری می کردم و از برگزاری «تور در آمریکا» لذت نمی بردم. حضور ما در آمریکا یک کابوس



● **توم!** چند وقت پیش به کرت لادر (Kurt Loder) (یک خبرنگار) گفته بودی که وقتی صدای خودت را در آهنگ 'Fake plastic trees' شنیدی، نتوانستی تشخیص بدی که صدای خودت می باشد، و از این موضوع اظهار شادمانی کردی. این موضوع برای من جالب است، و دوست دارم راجع به آن توضیح بدهی.

یورک - این یکی از دلیل های است که می توانم با استناد به آن تاکید کنم ما یک گروه «پاپ» هستیم. در این موسیقی عصری وجود دارد مثل اینکه خیلی چیزها قابل تشخیص نباشد و خیلی چیزها بخاطر آوردنی نباشد. وقتی که آهنگ 'Exit Music' را شنیدم، نتوانستم تشخیص دهم که چه کسی آن را خوانده است و یا همین اتفاق وقتی رخ داد که آهنگ 'Air bag' را در Ok Computer شنیدم. آن موقع نمی توانستم تشخیص دهم که آیا ما آن را اجرا کردیم.

● بعد از بیرون دادن آهنگ 'Creep' خیلی ها اعتقاد داشتند که این آهنگ یک جرقه است و شما گروهی هستید که فقط با همین آهنگ، همه را خیره خواهید کرد و کار دیگری ارائه نخواهید داد و به اصطلاح گروه «تک آهنگ» هستید. آیا زمانی وجود داشته است که شما فکر کنید این موضوع حقیقت دارد؟

یورک - بله، همیشه. هنوز راجع به این موضوع فکر می کنیم. کالین گرینوود - حقیقتاً خیلی راجع به آن فکر نمی کردیم. از حضور در آمریکا و اجرا در کلوب های کوچک لذت می بردیم و البته این یک امتیاز است که موضوع ها را از زاویه دیگر ببینیم. ما با این فکر خیلی خونسردانه برخورد کردیم.

● آیا همچنان مثل گذشته، یعنی ۸ سال پیش که اولین آلبوم خود Pablo Honey را بیرون دادید، فکر می کنید؟ او برین - خیر، البته که نه. موسیقی ای که تو در سن ۲۳ سالگی گوش می دهی، با موسیقی ای که در سن ۳۳ سالگی گوش می دهی تفاوت دارد. پس تو همان آدم گذشته نیستی. نمی توان همیشه ثابت بود ولی می توان به گذشته و عادات گذشته بازگشت و به دنبال این بود که مثلاً چرا در ۹ سال قبل این جور آهنگ را دوست داشتی.

● گفته می شود آهنگ «شاید اشتباه کرده باشم» از آلبوم Amnesiac جزو آهنگهای تبلیغاتی المپیک زمستانی ۲۰۰۲ است؟

- بله ولی ما برای پول این کار را نکردیم. جریان خیریه است و از علاقه ما به اسنوبورد (Snow board) ناشی می شود.

● شما در کنسرتها پتان هیچ آهنگی را از آلبوم اول خود (Pablo Honey) نکنجانیده اید. آیا قصد اجرای مجدد این آهنگها را ندارید؟

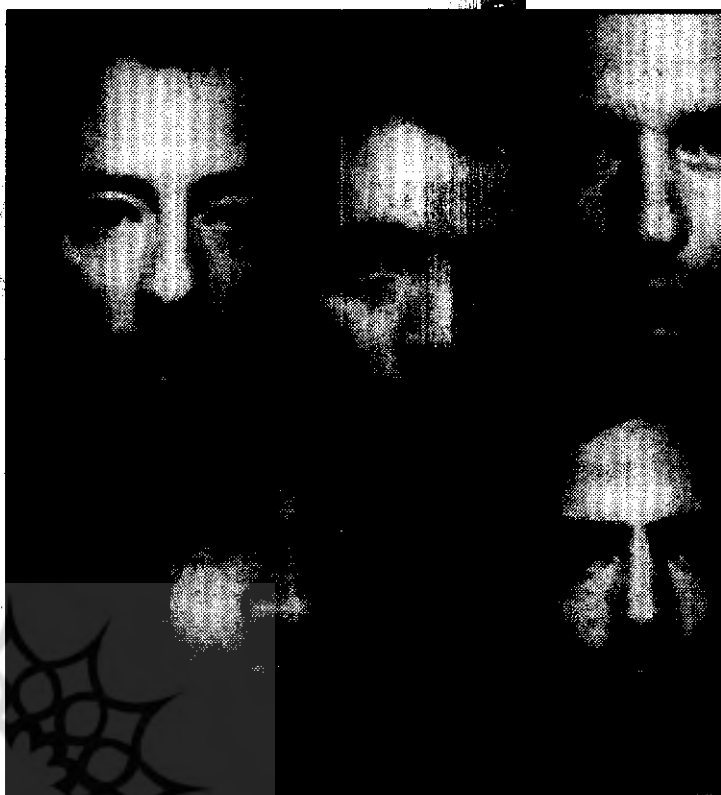
- زمانی که ما دست به انتخاب آهنگها می زنیم، به تازه بودن و جذاب بودن آنها برای علاقمندان کنسرت فکر می کنیم و بعد آنها را در لیست می آوریم.

● آیا شما علاقه ای به ساخت موسیقی متن فیلمها در آینده نزدیک دارید؟

- بله ما علاقمندیم شانس خودمان را در این جریان آزمایش کنیم و از این رو قصد اضافه کردن تلویزیون و بخش ویدئو به استودیومان را داریم.

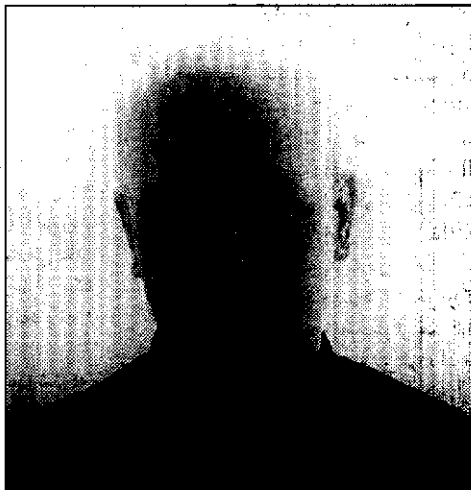
● آیا علاقه به همکاری با کارگردان خاصی را دارید؟

- بله ولی شاید بهتر باشد که چیزی نگوییم! چون در صورت پاسخ به این سوال کمی شرایط را برای خودمان مشکل می کنیم. آن هم زمانی که هیچ تجربه ای در انجام کار نداریم.



و حشتناک بود. ما خودمان را در محل برگزاری اجرا می دیدیم. ولی از نظر روحی آماده نبودیم. با این حال کار خودمان را می کردیم.

● آیا تجربه این چینی که در حین برگزاری تور 'Ok Computer' بدست آوردید، از اجرای چنین برنامه هایی، مثلاً برگزاری یک تور دیگر شما را نمی ترساند؟ او برین - اجرا در آمریکا خیلی خوب است، و مجبور می شوی برای اینکه سر و صدا و رضایت تماشاگران را بدست بیاوری، قبل از اجرا حرکات را پیش بینی کنی، درست مثل یک نمایشنامه. اما خود من ترجیح می دهم مثل کسی چون مایلز دیویس (Miles Davies) باشم که پشت به شنوندگان می کند و فقط به آنچه که می نوازد، گوش می دهد. به نظر من دلیل واقعی حضور مردم در اجراها باید این باشد که تو بنوازی نه نمایش بدهی.



نظ ۵ دقیقه برای ساختن آهنگ Pyramidson البته تحت تأثیر همین فضاهای دیوانه وار.

در آمریکا مجبور می شوی برای اینکه رضایت تماشاگران را بدست آوری، قبل از اجرا حرکات را پیش بینی کنی، درست مثل یک نمایشنامه!

محبوبترین گروه دهه نود



وقتی مجله «رولینگ استونز» معروفترین و معتبرترین مجله موسیقی سراسر دنیا، تصویر گروه یا شخصی را روی جلدش کار می‌کند، به این معنی است که آن گروه بدان حد از محبوبیت و مقبولیت رسیده که ارزش روی جلد «رولینگ استونز» آمدن را داشته باشد. حالا تصور کنید که در یک نظرسنجی که همین مجله انجام می‌دهد یک گروه محبوب‌ترین گروه موسیقی دهه نود میلادی شود. مقامی که در دهه‌های گذشته، همیشه به گروه «Beatles» تعلق داشت. گروه «Radio head» که از سوی این مجله به عنوان محبوب‌ترین گروه موسیقی دهه نورد قرن بیستم میلادی معروف شده، هنوز یک دهه کامل از فعالیت رسمی‌اش نگذشته، بدان حد از شهرت رسیده، که مدت‌هاست تمام پدیده‌های نوظهور عالم موسیقی پاپ، برای ارزش‌گذاری باید با آنها مقایسه شوند.

فعالیت‌های رسمی این گروه با آلبوم «Pablö honey» شروع شد. در آن زمان هیچ کس تصور نمی‌کرد خالق این اثر به زودی تبدیل به پدیده عالم موسیقی دهه نود خواهد شد. ولی با آلبوم بعدی یعنی در «The Bends» چنان غوغایی به پا کرد که مدت‌ها در صدر جدول

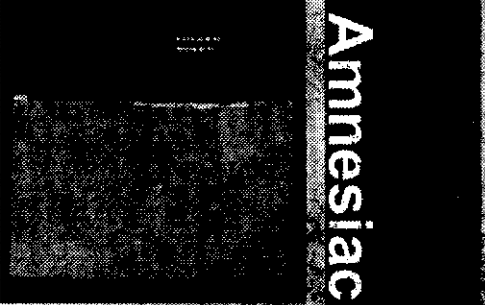
حسام کرشاسبی

پرفروش‌ترین آثار موسیقی دنیا بود. روحیه خیالپردازی‌های مملو از غمی که در تمام آثار این گروه حاکم است، نوعی شخصیت خاص به گروه بخشید و باعث شد تا منتقدان این گروه را به عنوان یک گروه درونگرا (از نظر روحی) بشناسد که موسیقی‌شان زاینده صرف احساساتشان است.

کمی بعد با ارائه آلبوم‌های «KidA» و «Amnesiac»، توم یورک (Thom Yorke) خواننده و سایر اعضای گروه نشان دادند که کاری به کار قالب‌های رایج موسیقی راک ندارند و هرچه دلشان بخواهد (هرچه که زاینده روحیات مالیخولیایی‌شان باشد) را بدون توجه به اینکه مورد علاقه مخاطب «عام» هست یا نه، عرضه می‌کنند. به اعتقاد نگارنده، گروه «Radio head» موسیقی را به عنوان یک هنر، وسیله‌ای برای بیان روحیات درونی‌شان استفاده می‌کند و نه برای محبوب شدن نزد مردم.

بنظر می‌رسد که همان شناخت درست از موسیقی نیز باعث شد که درهای شهرت و محبوبیت به روی آنها باز شود...

نقدی بر بهترین



آخرین آلبوم گروه «Amnesiac» که یک سال قبل از عرضه (سال ۲۰۰۱) در همان مورالیتی آلبوم «KidA» در مجله رولینگ استونز نشان بود، ساخته شنیده است. در مجله رولینگ استونز نشان داد گروه «Radio head» معتقد است راه خوشترانه و عجیب و غریب را که تا آنجا که ممکن است دنبال کند. در این آلبوم گروه در انتخاب پوز کوری و تصویرگری و انتخاب آلبوم بسیار شگفتی‌نازک و باهوش از این هم می‌باشد. این آلبوم را می‌توان به «KidA» یا از این نظر به صورت فنی شباهت دارد. گروه در یک سبب با یک رقص شروع نمود و در «Amnesiac» و با ریختن هر آنچه مانع آزادی کامل اعضای گروه در ساختن ملودی‌های دلخواهشان می‌شد، ادامه پیدا کرد.

«Amnesiac» همانند آلبوم قبلی گروه (KidA) مملو از صنایع و مخصوصاً ضرب‌های کامپیوتری است. همچنین سازها و حتی صدای توم یورک خواننده گروه همگی از فیلترهای عجیب و غریب ایجاد انواع نیز رد شده‌اند تا چایی که بعضی از صنایع شبیه صدای موجودات فضایی است که در فیلم‌های علمی تخیلی می‌بینیم. شاید به راحتی بتوان گفت که در این آلبوم فقط دو قطعه «Qui» و «Klives» و «I might be wrong» مانند یک موسیقی هوایی و فضایی شنیده خواهند شد. اینها وجه مشترک «Amnesiac» با سایر آلبوم‌های گروه همان غمی است که در تمام ارکان موسیقی «Radio head» از صدای تام یورک گرفته تا تنظیم قطعات و ساختار ملودی‌ها موج می‌زند. خصوصیتی که در «KidA» جای خود را به سرگشتگی و ترس دیوانوار از ناشناخته‌ها، رازها و حتی درهای بشری داده بود. بسیاری از هواداران آلبوم «Amnesiac» معتقدند، «Radio head» با این اثر هرچند که از نظر ساختار کلی ملودی‌ها و سازهای متفاوت را می‌تواند که در «KidA» شروع کرده بود، ادامه داد و رابطه خاصی از دیگر آثارش گرفته ولی از نظر روحیه حاکم بر آن، تفاوتی در کارهای قبل از «KidA» نزدیک شد. به نظر می‌رسد که با شنیدن «KidA» گروه «Radio head» از نظر فنی و تکنیکی هم کسانی را که «KidA» را می‌پسندند، بیشتر تحت تأثیر روحیه مملو از غم گذشته‌اش (هرچند که به نظر می‌رسد که در کارهای بعدی از منتقدان و اساتید موسیقی درهای شهرت و محبوبیت به روی آنها باز شود...



آلبوم‌های گروه پیرامون و جاستر اوتیس

گروهی که آلبوم‌های جدیدش به سرعت به بیسکال تبدیل شده است. این گروه که در ابتدا به عنوان «پیرامون» شناخته می‌شد، بعدها به «پیرامون و جاستر اوتیس» تغییر نام داد. این گروه یکی از بهترین گروه‌های راک دهه ۷۰ میلادی است. آلبوم‌های اخیر آن‌ها شامل «پیرامون و جاستر اوتیس» و «پیرامون و جاستر اوتیس» است. این گروه یکی از بهترین گروه‌های راک دهه ۷۰ میلادی است. آلبوم‌های اخیر آن‌ها شامل «پیرامون و جاستر اوتیس» و «پیرامون و جاستر اوتیس» است.



OK Computer

OK Computer یکی از بهترین آلبوم‌های گروه راک دهه ۲۰۰۰ است. این آلبوم به سرعت به بیسکال تبدیل شد و یکی از بهترین آلبوم‌های دهه ۲۰۰۰ است. این آلبوم به سرعت به بیسکال تبدیل شد و یکی از بهترین آلبوم‌های دهه ۲۰۰۰ است.

این گروه یکی از بهترین گروه‌های راک دهه ۷۰ میلادی است. آلبوم‌های اخیر آن‌ها شامل «پیرامون و جاستر اوتیس» و «پیرامون و جاستر اوتیس» است. این گروه یکی از بهترین گروه‌های راک دهه ۷۰ میلادی است. آلبوم‌های اخیر آن‌ها شامل «پیرامون و جاستر اوتیس» و «پیرامون و جاستر اوتیس» است.



The Bands

The Bands یکی از بهترین آلبوم‌های گروه راک دهه ۲۰۰۰ است. این آلبوم به سرعت به بیسکال تبدیل شد و یکی از بهترین آلبوم‌های دهه ۲۰۰۰ است. این آلبوم به سرعت به بیسکال تبدیل شد و یکی از بهترین آلبوم‌های دهه ۲۰۰۰ است.



متن اشعار دو ترانه

شنوندگان موسیقی **Alternative** و مخصوصاً **Radio head** کسانی که به موسیقی‌های گوش فرا داده‌اند، ختماً دو آهنگ را می‌شناسند. **Creep** از آلبوم **Pablo Honey** و **Spirit** از آلبوم **Street** از آلبوم **The Bends** طرفداران این گروه همواره علاقمندی خود را به صورت آشکار به این دو آهنگ نشان داده‌اند، بطوری که در سال ۱۹۹۶ **Creep** در حدود دو ماه پرفروش‌ترین تک‌آهنگ (**Single**) در عرصه موسیقی آترناتیو بود. متن این دو آهنگ و ترجمه فارسی آنها را می‌خوانیم:

خز

وقتی قبلاً اینجا بودی
نمی‌توانستم نوبی چشمهایت نگاه کنم
تو مثل یک فرشته هستی
لمس کردنت مرا به گریه وامی‌دارد
تو شنواری مثل یک پر
در یک جهان زیبا
ای کاش فوق‌العاده می‌بودم
تو دیوانه‌وار فوق‌العاده‌ای
ولی من یک «خز» هستم
من یک دیوانه‌ام
من اینجا چه کار می‌کنم
من به اینجا تعلق ندارم
ولی من یک «خز» هستم
من یک دیوانه‌ام
من اینجا چه کار می‌کنم
من به اینجا تعلق ندارم

Creep

When you were here before
Could't look you in the eye
You're just like an angle
Your skin makes me cry
You float like a feather
In a beautiful world
I wish I was special
You're so f... 'special
But I'm creep
I'm weirdo
What the hell am I doin' here
I don't belong here



روح خیابان

خانه‌های ردیف شده
 همه با من گفتگو می‌کنند
 می‌توانم دستهای آبی آنها را احساس کنم
 در حالی که سوزالمس می‌کنند
 همه این چیزها در این شرایط
 همه چیزهایی که یک روزی ما بطور کامل
 درک می‌کنیم
 رنگ می‌بازند و رنگ می‌بازند
 این ماشین از تپالی برقرار نمی‌کند
 این اندیشه‌ها و پیچیدگی‌ها که مزایه زیر کشیده
 یک بچه این جهان باش، از یک دایره و محنوده
 قبل از اینکه همه ما تحت سلطه قرار بگیریم
 و رنگ ببازیم و رنگ ببازیم
 تخم مرغ‌های شکسته پرنده‌های مرده
 جیغ هنگام جنجال برای زندگی
 می‌توانم مرگ را احساس کنم
 می‌توانم چشمهای درشت آن را ببینم
 همه چیزهای آن شرایط
 همه چیزهایی که رندی آنرا بطور کامل درک می‌کنیم
 روح را در عشق غرق کن.

Street Spirit

Rows of houses
 All bearing down on me
 I can feel their blue hands
 Touching me
 All These things we'll one day
 Swallow whole
 And fade out again and fade out
 This machine will, will not communicate
 This thoughts and the strain. I am under
 Be a world child, from a circle
 Before we all go under
 and fade out again, and fade out again
 Cracked eggs, dead birds
 Scream as they fight for life
 I can fill death,
 can see its beady eyes
 All these things into position
 All these things we'll one day
 Swallow whole
 Immerse your soul in love





۱۳ درس از کیتارو



○ موسیقی با ریتم و ملودی قلبی یک اهنگساز ساخته می‌شود

○ واردها گان سرخسند سو، نفاهمند اما موسیقی هیچ سو، نفاهمی ایجاد نمی‌کند

○ موسیقی، ادبی را به حس کردن وا می‌دارد

○ موسیقی مل یک دانشان خوب براساس از تصاویر متحرک و زنده

○ صدای همه سازها تا هم قابل ترکیب است، مسروبا بر اینکه، درست فهمیده نشوند و بجا استفاده

○ موسیقی باید شنونده را به حالتی نزدیک کند که او خود را در راحت ترین شرایط احساس نماید

○ موسیقی درست با همه، گروه‌های سنی ارتباط برقرار می‌کند

○ موسیقی می‌تواند هر کسی را تغییر دهد

○ روح طبیعت، بزرگترین منبع الهام برای ساخت موسیقی است

○ موسیقی واقعی، سفتابخش است

○ نوازع، مهمترین راز در کسب قدرت یک اهنگساز است

○ حرف اول را در موسیقی من احساس من می‌زند، نه وسیله و تکنولوژی

○ دیدن، شنیدن، سفر کردن، الهام گرفتن و آرامش یافتن زیرساخت برینی یک اهنگساز واقعی است



موج جدید MASSIVE ATTACK

این یک ارتباط انگلیسی عجیب و غریب بود که در بریستول اتفاق افتاد. وقتی خواننده سفیدپوست ۲D (رابرت دل نایا)، DaddyG (گرنٹ مارشال) و ماشروم (آندرو واولز) به عنوان گروه «مسیو اتک» (Massive Attack) خود را معرفی کردند. آنها اول روی سمپل‌های گوشی‌های موبایل و سیستم‌های صوتی کار می‌کردند و در همین حال در خدمت گروه بزرگ وایلد بانچ (Wild Bunch) بودند تا اینکه با خروج نلی هوبر از وایلد بانچ و تأسیس گروه «سل تو سل» (Soul II Soul) این بچه‌ها تصمیم گرفتند به صورت جدا کار کنند. اوایل دهه نود یک ملاقات با ننا چری خواننده زن در ژاپن کافی بود تا «مسیو اتک» کار خود را شروع کند. پس از جلسه‌ای با کامرون مک‌دی، اولین آلبوم در سال ۱۹۹۱ وارد بازار شد.

۳ سینگل استثنایی موفق شدند آلبومی جدید و شکفت‌آور با نام Blue Lines را به همراه داشته باشند. این سه آهنگ "Day dreaming"، "finished Sympatty" و "Un Save from Harm" نام داشتند. در کمتر از ۸ ماه مخلوطی از موسیقی رپ، رگه و سل به علاوه مت‌های متفکرانه این گروه را تبدیل به یکی از پرطرفدارترین گروه‌های موسیقی کرد. صدای فوق‌العاده ننا چری و شارلا نلسون برای همیشه در گوش علاقمندان این گروه باقی مانده است. آهنگ "Sympatty Un finished" در سال ۱۹۹۱ از سوی مجله «ملودی میکر» به عنوان بهترین تک‌آهنگ سال انتخاب شد و امروز نیز از نظر خیلی از طرفداران، بهترین سینگل دنیاست. شاید نام «مسیو اتک» به معنی حمله دسته‌جمعی از جنگ خلیج فارس که در سال تأسیس این گروه صورت پذیرفته گرفته باشد. در هر صورت فلسفه و دیدگاه‌های این گروه موسیقی رقص را به افق‌های جدیدی رهنمون ساخت.

وقتی گروه راک ایرلندی U۲ از آنها خواستند تا آهنگ "Ways Mysterious" را به شیوه‌ای جدید برای اجرا در دیسکو تک تولید کنند. این پیشنهاد با مخالفت آنها روبرو شد. آنها در این مورد گفتند: «ما هرگز موسیقی رقص نمی‌سازیم بلکه دوست داریم شنوندگان بعد از گوش کردن برقصند.»

با جدا شدن شارلا نلسون، مسیو اتک با یک توقف ناخواسته روبرو شد. در واقع نلسون همان خواننده مورد نظر آنها بود، ولی او تصمیم گرفت به صورت تکی به کار خود در دنیای موسیقی ادامه دهد. بعد از آلبوم Blue Lines تقریباً این گروه از نظرها محو

ما هرگز
موسیقی رقص
نمی‌سازیم.

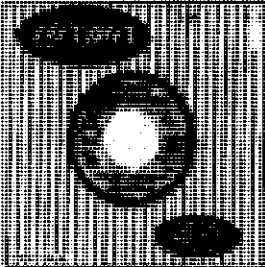
با جدا شدن
شارلا نلسون،
مسیو اتک با
یک توقف
ناخواسته روبرو
شد. در واقع
نلسون همان
خواننده مورد
نظر آنها بود،
ولی او تصمیم
گرفت به
صورت تکی به
کار خود در
دنیای موسیقی
ادامه دهد.

شد تا اینکه در اواسط دهه نود با همکاری تریکی (Tricky) سر و کله آنها دوباره پیدا شد. سرانجام در سال ۹۴ دومین آلبوم استودیو با نام Protection تولید شد. نلی هوبر این بار به عنوان تهیه‌کننده با مسیو اتک همکاری نمود. در این آلبوم با استفاده از صداهای تریکی، نیکولته (خواننده نیجریه‌ای)، اوری تینگ بات ده گرل (Every thing but the girl) و چند نفر دیگر اثری متفاوت ارایه شد ولی متأسفانه آنها به آنچه در Blue Lines دست یافته بودند نرسیدند. میکس مجدد این آلبوم با همکاری مد پروفیسور هم راضی‌کننده نبود تا اینکه در فضای سینکلهای الکترونیک سال ۹۸ آلبوم جدید آنها Mezzanine وارد بازار شد. به این ترتیب این گروه سه‌نفره برای اولین بار در جدول پرفروش‌های انگلستان صدرنشین شدند.

ساراجی و الیزابت فریزر خوانندگانی بودند که در این آلبوم با مسیو اتک همکاری کردند. آهنگ "Fear drop" به مدت ۳ هفته بهترین سینگل انگلستان شناخته شد و مسیو اتک در اوج قرار گرفت. درست بعد از کسب این موفقیت بزرگ، شایعاتی در مورد برخورد دوستان قدیمی در این گروه شنیده شد. صحبت از دعوی ۲D و مارشال بود که چند وقت بعد مارشال این گروه را ترک کرد تا به صورت سولو در دنیای موسیقی به فعالیت خود ادامه دهد. در پایان باید گفت نواهای متنوع این گروه آنقدر دل‌انگیز است که تمام آنهایی که روزگاری موسیقی این گروه را گوش می‌کردند هنوز در انتظار آلبومی جدید به سر می‌برند.



تکرار فرمولهای میلیون دلاری



شیرت No Sync

شیرت یکی از این مستعدترین هنرمندان جوانی است که در حال حاضر در صنعت موسیقی آمریکا به سرعت در حال رشد است. او در سال ۲۰۰۵ با آلبوم "Black Album" به شهرت رسید و در سال ۲۰۰۶ با آلبوم "No Sync" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم شامل ترانه‌هایی است که به سبب ریتمیک و ملودیک بودنشان، طرفداران زیادی پیدا کرده است. "No Sync" به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

البومی بازسازی شده در دورانی خوش

Exciter Dopamine Mode

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

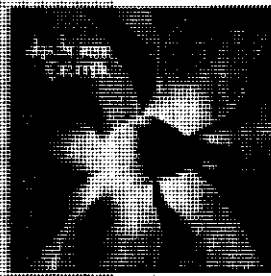
این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.

این آلبوم به سبب داشتن ترانه‌هایی مانند "The Black and White" و "The Black and White" به موفقیت بزرگی دست یافت.





TOOL: LATERALUS

بازگشتی موفق

آلبوم ۷۹ دقیقه‌ای که با سبک هاردراک اجرا شده ولی هنوز هم همان حساسیت‌های ویژه که ریشه در تفکرات اعضای گروه دارد، در ساختن این آلبوم حفظ شده؛ حساسیت‌هایی که بواسطه علاقه و تمایل به گروه‌های Black Sabbath و Led zepelin است.

جیمز کینان (James Keenan) مرد همه‌کاره تول، کسی است که بیشترین توجه را در تهیه کار جدید این گروه به خرج داده است.

"Lateralus" آلبومی است که از ۱۲ قطعه موسیقی تشکیل شده. در این آلبوم، قطعه‌ها دارای موسیقی بسیار تأثیرگذار هستند. این قطعات فقط یک موسیقی معمولی نیستند آدم جونز (Jones Adem) گیتاریسته جاستین کنسلور (Justin Chancellor) نوازنده گیتار باس و نفی کری (Danny Carey) طبال گروه توانسته‌اند با اجرای خوب خودشان باعث برانگیختن احساسات شوند تا کارهای جالب توجه تول ادامه داشته باشد.

کار تهیه این آلبوم به عهده گروه دیوید باتریل (David Bottrell) بوده است. در این آلبوم، قطعات به صورت به هم پیوسته میکس شده‌اند و در آن قطعات ۸،۷ و ۹ دقیقه و حتی بیشتر وجود دارند که تاکنون در کارهای گذشته تول کمتر دیده شده بود. در این آلبوم صداهایی شبیه به غرش، و یا زمین لرزه که توسط کنسلور کری اجرا شده و تحرک خاصی به شنونده می‌دهد. در آهنگ "The Grudge" کل موزیک ریتم تهاجمی دارد. تمام آهنگ "The Patient" ساخته شده از همه‌مهای لطیف که نیروی خاصی به شنونده می‌دهد و خود قطعه (Lateralus) نوازی غریبانه اما افسون‌کننده دارد.

کل این آلبوم شبیه به جاده‌ای پیچ در پیچ می‌ماند که در آن دائماً شکل مسیر تغییر می‌کند و قوانین دینامیک (مبحث حرکات اجسام) در آن به شکلی معماگونه مطرح شده‌اند.

کینان (Keenan) عقیده دارد که تهیه این آلبوم فقط از عهده گروه Tool برمی‌آید. «آرزوی من، همیشه ساختن ریتم‌های احساسی بوده، احساسات مختلفی که در غالب یک آلبوم به هم متصل شوند و حالا با تهیه این آلبوم لحظه‌ای فرارسید که به آرزویم برسم.»

قطعه "Parabol/Parabola" تشکیل شده از ریتمی غمگین و شرقی همراه با صدای وزوز زنبور عسل و فرو ریختن صخره‌ها که انسان را به یاد آهنگ "Even flow" از گروه Pearl Jam's می‌انازد.

قطعاتی هم که براساس حالات تحکیم‌گونه اجرا شده‌اند، قطعات "Disposition"، "Reflection" و "Triad" هستند که دو قطعه اولی ریتمی تحریک‌کننده، جذاب و متفکرانه دارند که از چند ریتم مختلف و متفاوت ساخته شده‌اند.

از چندین سال پیش، کینان در آلبوم‌های Tool برای مخالفت با خشک و بی‌عاطفه بودن فریاد کشیده و در آلبوم جدید Tool هم این مسأله وجود دارد. «هن هنوز اینجا هستیم، برای خون‌ریزی، برای ادامه جنگ...»

در Lateralus هم به اندازه کافی این مسایل برای علاقه‌مندان به Tool وجود دارد!

امروز، شما نمی‌توانید بگویید که گروه تول (Tool) منحل شده. پشت سر گذاشتن مشکلات باعث شده است تا حیات این گروه هوی متال ادامه داشته باشد. این گروه در سال ۱۹۹۶ آلبوم "Aenima" را وارد بازار کرد و بعد از آن گروه ۵ سال، کار جدیدی تهیه نکرد و به ساختن کلیپ‌های ویدئویی و اجرای کنسرت پرداخت. بعد از آن مجموعه "Salival" را کامل کردند، و حالا اعضای گروه تول آماده هستند تا آلبوم جدید خود را با نام "Lateralus" در اختیار طرفداران موسیقی متال قرار دهند. یک





نغمه آوازهای دشت

در کشتزارها، باغستان و یا معادن پرت افتاده آمریکای لاتین نغمه‌هایی را بر ساز و زبان یک معدن کار و کشاورز و کارگر خواهید شنید که به نوبه خود از بارزترین نمونه‌های موسیقی مردمی شناخته می‌شوند. کلام و جوهر این ترانه‌ها از اندیشه‌ای آشکارا، نوین و بالنده خبر می‌دهد و خواستگاه آن بی‌تردید از فرهنگ جهانی بارآوری مایه گرفته است. سرایندهگان این نغمه‌ها غالباً گمنام‌اند و چنانچه از خواننده یا نوازنده این ترانه‌ها پرسیده شود که آنها را از کجا و چگونه آموخته‌اند خواهند گفت: «تا آنجا که یادشان می‌آید، همیشه این ترانه‌ها را می‌دانسته‌اند و مهمترین رابطه‌اشان با این نغمه‌ها در این است که آنها را می‌فهمند، دوست دارند، و در هر فرصتی بر سازهای خود می‌نوازند و یا هم دم می‌گیرند.» این نغمه‌ها خبر از سرشتی یگانه می‌دهد و همانند آفتاب گرمسیر این دیار بر سرتاسر آن یکسان تابیده است. چرا که همین ترانه را با اندک تفاوتی در لهجه و گویش‌های متداول، عیناً در معدنی در بولیوی یا مزرعه قهوه‌ای در گواتمالا می‌توان باز شنید. با این همه بومیان این ترانه‌ها را صرفاً متعلق به منطقه خود می‌دانند و با بهره‌گیری از کلام و موسیقی رایج، چنان نغمه‌هایی را سر می‌دهند که نه تنها بیگانگی در آن دیده نمی‌شود بلکه از نظر مضامین، محتوی و غنای ادبی، چنان سرشار از موسیقی سنتی است که براحتمی قابل نواختن بر سازهای ساده بومیان است.

صمیمیت کلام این نغمه‌ها بسادگی قابل فراگرفتن، و مضمون آنها بازتاب واقمیت‌های تلخ و شیرینی است که گاه به‌غم آواز، غزل دلپیتان، و گاه به مرثیه و خشم آهنگ مبدل می‌شود. ضرب کلام و ضرب آهنگ این ترانه‌ها به گونه‌ایست که قابلیت اجرای چند صدایی و همسرایی را پیدا می‌کند و همچون عاملی نیرومند انگیزه‌گرد هم آمدن زحمتکشان بومی پس از کار طاقت فرسای روزانه خواهد بود.

شبان، بی لبخند
دشت، بی باران
خاک، بی حاصل
ورمه‌های گمشده
در جستجوی خارینی دندانگیر
بر سنگلاخ داغ
پوزه می‌زنند.
دشت، بی باران
خاک، بی حاصل
شبان بی لبخند
ترانه می‌خواند:
در سنگلاخ جلگه‌ای می‌کارم
ریشه‌ها جان می‌گیرند.
نه گردباد و
نه خشکسالی، هیچکدام
من خون رگ‌هایم را
تا پای هر بوته کشانده‌ام.
و آسمان کهنه
آبی خواهد شد.